



میر عبدالواحد سادات

پاکستان بی آرم و افغانستان ضعیف

سرکشید بیدل امروز از بنای اعتبار
آنقدر پستی که نتوان از دنانت عار کرد

این اعتراف چه عواقب دارد ؟

از آغاز تجاوز جنگ اعلام نا شده بی پاکستان حدود چهار دهه میگذرد ، درین چهل سال در برابر تمام حقایق آفتابی ، پاکستان با پر رویی انکاروتلاش نموده تا دامن پر خون خود را کتمان نماید.

دراوج جنگ سرد ، پاکستان با اجرای نقش « تاریخی » بمثابة « تخته خیز » بحیث شریک استراتیژیک غرب مورد تفقد آنان قرار داشت و در پسا جنگ سرد که تجاوز مستقیم پاکستان شروع میگردد ، این امریکا و متحدان آن بودند که با چشم پوشی از عواقب آن تجاوز ، روزگار سیاه و دهشتناک را بر مردم افغانستان تحمیل نمودند و فقط فروریختن برج و باروی مراکز قدرت اقتصادی در نیویارک باعث گردید تا « مدافعان حقوق بشر » بکشور ما لشکر کشی نمایند.

متاسفانه « منافع کلان » و بازیهای جیوستراتیژیک و سیاستهای کجدار و مریز انگلیس و امریکا درین یکدهه ونیم زمینه ساز تداوم جنگ اعلام نا شده پاکستان گردید . علی الرغم فاکت ها و حقایق انکار نا پذیر، دولتمداران پاکستان کماکان به انکارشان دوام داده اند ، اما کشته شدن اوسامه بن لادن در حومه اسلام آباد و ... و مرگ ملا محمدعمر و ... طشت رسوایی تجاوز پاکستان را از بام انداخت و بر این ثبوت تاریخی صحه گذاشت که : پاکستان نه تنها حامی تروریسم ، بلکه مرکز آن و لانه شرارت پیشه گان جهان میباشد.

متاسفانه درین مدت دولت ضعیف و طراز جهادی - طالبی که نتوانست حاکمیت ملی را تمثیل و از منافع ملی دفاع نماید در تمام این مدت آب به آسیاب پاکستان ریخته و حتی رییس جمهور کرزی با « وطن دوم خواندن آنکشور ، اعلام کرد که در جنگ با پاکستان در پهلوی آن ایستاده میشود » .

اکنون که دور جدید « بازیهای بزرگ » و کشمکش های جیو ستراتیژیک بین المللی و منطقوی ، مقدرات تاریخی افغانستان را رقم میزند و سریال « صلح » وارد اشکال جدید گردیده است ، سرتاج عزیز بلند پایه ترین مقام در ارکان سیاست خارجی پاکستان لب به اعتراف گشوده و دیروز در واشنگتن اظهار داشت که :

« ... در گذشته پاکستان نفوذی زیاد بر طالبان نداشت ، مانند زمانیکه آنها بت بودا را شکستند و یا هم مواقع دیگری ، ولی حالا ما تا حدی بالای آنها نفوذ داریم ، رهبری آنها همراه با خانواده های شان در پاکستان هستند و آنها از خدمات بهداشتی ما استفاده مینمایند ... » و تهدید نمود که : « ... اگر قبول نکنند حد اقل از پاکستان اخراج خواهند شد » ، او در محضر « حامیان امریکایی » با چرب زبانی و به خاطر سرد سازی اذهان اقرار کرد : « چون به دلیل حضور آنها در پاکستان ، همه جهان ما را ملامت میکند » . این روباه پیر و کارکشته که شناخت دقیق از پارتتران ضعیف افغان خود دارد ، ماهرانه توپ را در گول افغانستان می اندازد که : « امیدوارم حکومت افغانستان یک نقش فعال را برای موفقیت این مذاکرات بازی کند » .

البته دستگاه نا کارای دیپلوماسی افغانستان در رابطه هیچ حرفی ندارد و کسی نیست تا از حق افغانستان دفاع نماید و موضوع را به بمراجع ذیربط جهانی ارجاع و دادخواهی نماید.

در حالیکه پاکستان بی آرم چنین عمل مینماید ، با هزار افسوس باید بپذیریم که افغانستان ضعیف است و علت آن خود ما هستیم که در آتش افتراق ، چهار دهه است که میسوزیم و کماکان بعد از چهل سال جنگ و تیره روزی منافع حزبی ، تنظیمی ، قومی ، سمتی و مذهبی ما بر منافع ملی ومصالح کشور ، برتری دارد و از منافع ملی خود تعریف و شناخت نداریم . در موجودیت دولت ضعیف و درگیر بحران و در حالیکه رییس « شورای صلح » ما در همین یکی دو روز گفت : « ما باید ممنون پاکستان باشیم » ، وظیفه تمام احاد ملت و بخصوص منوران متعهد بوطن و مردم است تا با برجسته ساختن منافع و مصالح کشور صدایی اعتراض را رساتر و متحدانه بلند نمایند و از افغانستان تجزیه نا پذیر ، صلح عملی و با حفظ ارزشهای انسانی و حق کشور بخاطر گذار بشاهراه بازسازی و ترقی در برابر دشمنان تاریخی آن دفاع نماییم .